

بررسی ابعاد تأثیر فرهنگی یهود بر جامعه اسلامی بعد از پیامبر (ص)

فاطمه جعفرنیا^۱

چکیده: سابقه حضور یهود در جزیره العرب به دوره پیش از اسلام بازمی‌گردد. ظاهراً یهودیان در ادوار مختلف به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. عدم حضور جدی یهودیان این منطقه در میان مشاهیر فرهنگ و علم یهود، نشان از پایین بودن سطح دانش آنان در مقایسه با یهودیان سایر مناطق دارد. با این‌حال یهودیان بر جامعه عرب تأثیرگذار بودند. در دوره اسلامی علمای یهود به دلیل عدم برخورداری از دانش، نتوانستند تعامل سازنده‌ای با پیامبر (ص) داشته باشند. بعد از رحلت پیامبر (ص)، مسلمانان در تعامل با یهودیان به ویژه احبار نومسلمان، عناصری از فرهنگ یهود عمدتاً با بار ارزشی منفی وارد فرهنگ اسلامی کردند. اما با آغاز شکل‌گیری تمدن اسلامی، مسلمانان با ساکنان مناطق مفتوحه از جمله علمای یهود تعامل دو سویه برقرار کردند. نگارنده بر آن است که تفاوت سطح دانش یهودیان جزیره العرب با مناطق دیگر، تأثیرگذاری دوگانه یهود در فرهنگ اسلامی را به همراه داشته است. نتیجه پژوهش حاضر مبین آن است که تأثیرگذاری یهودیان جزیره العرب در سده‌های نخستین در جامعه اسلامی سبب نفوذ آن دسته از عناصر فرهنگ یهود در جامعه اسلامی شد که واژگونه شدن بخشی از آموزه‌های اسلامی را به دنبال داشت؛ در حالی که با آغاز شکل‌گیری تمدن اسلامی تعامل دو سویه میان علمای مسلمان و یهود به وجود آمد.

واژه‌های کلیدی: یهود، عرب، جزیره العرب، اسرائیلیات

۱ استادیار تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران sabajafamia@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۹/۱۸ تاریخ تأیید: ۹۴/۰۲/۰۵

An investigation on Jews cultural influence on Islamic community after the holy prophet(pbh)

Fatemeh Jafarnia¹

Abstract: Jews presence in Arabian Peninsula dates back to the pre Islamic era. It seems that they had frequently been migrating to the region. Having no evidence of the existence of scholarly Jews among Arabs, which points to the illiteracy comparing to their counterparts in other regions, yet they greatly influenced on Arab society. In Islamic era, although Jewish scholars had no considerable interaction with the holy Prophet as for having lesser knowledge, after the demise of the prophet Muslims dealing with the new Jew converters (Ahbar) inject no good elements from Jewish culture to the Islamic body. In early stages of Islamic civilization, however, Muslims made mutual interaction with the conquered inhabitants including Jewish scholars. This research argues that the different degrees of knowledge existed among Arab and non- Arab Jews led to the bilateral effect on Islamic culture. The findings show the subversion of some Islamic teachings in early Islamic era. In early stages of Islamic civilization, however, there was a mutual interaction between Muslims and Jewish scholars.

Keywords: Jew, Arab, Arabian Peninsula, Israeliat

1 Assistant Professor of History University of Payme Noor, Tehran,Iran sabajafarnia@yahoo.com

مقدمه

یهودیان سده‌ها پیش از اسلام و ظاهراً به صورت مستمر و در دوره‌های مختلف به منطقه جزیره‌العرب مهاجرت کرده بودند. علی‌رغم آن که یهودیان این منطقه، نسبت به همسایگان عرب خود برتری خاصی برای خود قائل بودند؛ اما در گزارش‌های مورخان یهودی اشاره چندانی به یهودیان این منطقه نشده است. ظاهراً به دلیل پایین بودن سطح دانش یهودیان جزیره‌العرب در مقایسه با یهودیان بابل، فلسطین و مصر چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند، در حالی که یهودیان مناطق دیگر به تدوین مجموعه‌های میثنا و گمارا پرداخته‌اند. عدم حضور جدی یهودیان این منطقه در میان مشاهیر فرهنگ و علم یهود، نشان از پایین بودن سطح علمی آنان دارد. با ظهور اسلام و هجرت پیامبر^(ص) به مدینه، تعامل یهودیان با ساکنان منطقه وارد مرحله جدیدی شد. در این دوره، یهود که پیش از این به سبب آگاهی‌های دینی‌شان هم‌چون گروهی مرجع برای پاسخ‌گویی به عرب بودند خود به چالش کشیده شدند. البته علمای یهود به دلیل عدم برخورداری از دانش و با توجه به این که عمده آگاهی آنان از تورات و دینشان آمیخته با خرافات و انحراف بود نتوانستند تعامل سازنده‌ای با پیامبر و مسلمانان داشته باشند. با آغاز فتوحات اسلامی، یهودیان سایر مناطق به عنوان یک اقلیت تحت حکومت اسلامی درآمدند. علمای یهود با بیان این که قانون دولت، همانند شریعت لازم‌الاجرا است، نتوانستند از راه انطباق با شرایط موجود به حیات خود در جامعه اسلامی ادامه دهند. به نظر نگارنده، تأثیر عناصر فرهنگ یهود بر جامعه اسلامی از دو بُعد قابل بررسی است. تفاوت سطح دانش یهودیان جزیره‌العرب در مقایسه با یهودیان مناطق دیگر دلیل تأثیرگذاری دوگانه فرهنگ یهود است. در دوره بعد از رحلت پیامبر^(ص) و با وجود نهمی آشکار از مراجعه مسلمانان به اهل کتاب، به علل مختلف، مسلمانان جزیره‌العرب، به اقتباس عناصری از فرهنگ یهود علاقه نشان دادند. این عناصر عمدتاً با بار ارزشی منفی به عنوان سنت‌های اسلامی با ورود به مجموعه‌های روایی، سبب واژگونه شدن بخشی از آموزه‌های اسلامی شدند؛ اما در ادامه و با استقرار خلافت عباسی و با حمایت خلفا از روند شکل‌گیری تمدن اسلامی و با تسامح مسلمانان، علمای یهود مناطق دیگر که در سطح بالاتری از دانش قرار داشتند به شکل سازنده‌ای در روند گسترش تمدن اسلامی ایفای نقش کردند. در این دوره شاهد تعامل دو سویه فرهنگی یهود و جامعه اسلامی هستیم. در بررسی این موضوع، این سؤال مطرح است که: ابعاد تأثیرگذاری فرهنگ یهود بر جامعه اسلامی بعد از پیامبر^(ص) با توجه به تفاوت سطح دانش

یهودیان منطقه جزیره العرب با یهودیان مناطق دیگر چگونه بوده است؟ تبیین تفاوت تأثیر گذاری فرهنگ یهود بر جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر^(ص) به دو شکل منفی و تعامل دو سویه از اهداف این پژوهش است.

پیشینه تحقیق

در این قسمت در راستای تبیین ضرورت پژوهش حاضر، به بررسی مقالاتی چند در این زمینه می پردازیم.

یهود در جزیره العرب:^۱ مقاله اشاره ای کوتاه به تاریخ سکونت یهود در جزیره العرب به ویژه یثرب دارد. هم چنین با اشاره به مستندات متعدد از آگاهی یهود در باب ظهور پیامبر جدید در این منطقه به عنوان علت اصلی مهاجرت آنان بحث شده است.

دلایل کوچ یهودیان به جزیره العرب:^۲ مقاله در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود عدم ارتباط منطقه جزیره العرب با ارض موعود، یهودیان به این منطقه مهاجرت کرده اند به تفصیل در قالب دلایل اقتصادی، نظامی و اعتقادی به بررسی موضوع پرداخته است. هم چنین نگارنده مقاله بر این باور است که سیاست دولت های آن زمان به ویژه روم در کوچاندن یهودیان به جزیره العرب مؤثر بوده است.

اسلام و یهود یثرب: از تعامل در تعالیم تا تقابل در مواضع: این مقاله به بررسی تعاملات اسلام و یهود و مواضع سیاسی-نظامی آنان در قبال یکدیگر در روزگار رسول خدا^(ص) می پردازد. پیامبر بعد از هجرت با قبایل یهودی یثرب علاوه بر منشور حکومت مدینه، قرارداد حسن همجواری بست؛ اما یهودیان برخلاف تعهدات سیاسی خویش خیانت ورزیدند و با اتخاذ مواضع خصمانه، پیامبر را بر آن داشتند تا در قبال آنان مواضع تندی در پیش گیرد. در ادامه به تفصیل به درگیری های پیامبر با سه قبیله یهود مدینه اشاره شده است.

تحلیل تاریخی عقاید و مناسبات یهود با اسلام:^۴ مقاله به تفصیل به تاریخ قوم یهود و پیامبران

۱ رسول جعفریان (۱۳۹۱)، «یهود در جزیره العرب»، ماهنامه نسیم قدس، ش ۲۲ و ۲۳، صص ۴۰-۴۱.

۲ محمدحسین خوانین زاده (۱۳۸۹)، «دلایل کوچ یهودیان به جزیره العرب»، فصلنامه آفاق دین، ش ۲، صص ۲۷-۳۹.

۳ محمد سپهری (۱۳۸۵)، «اسلام و یهود یثرب: از تعامل در تعالیم تا تقابل در مواضع»، دو فصلنامه مسکویه، پیش ش ۳، صص ۶۳-۸۲.

۴ سید عطاء الله سینائی (۱۳۸۶)، «تحلیل تاریخی عقاید و مناسبات یهود با اسلام»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۵، صص ۹۹-۱۲۳.

این قوم پرداخته و در ادامه بخشی را به بررسی مهم‌ترین شاخص‌های شیوه‌های رفتاری آنان (اخلاق یهودی) اختصاص داده است. با مستندات فراوان این خصلت یهود که خود را برگزیده الهی می‌دانند بررسی کرده است. اشاره‌ای کوتاه به زمان مهاجرت یهودیان به جزیره العرب دارد. به فتنه انگیزی و پیمان شکنی یهود به عنوان خصایص یهود در طول تاریخ این قوم اشاره کرده است. در ادامه برای بازنمایی تصویری از عهدشکنی و فتنه انگیزی یهود در زمان پیامبر^(ص) به بررسی نقش یهودیان حجاز در جنگ احزاب پرداخته است.

یهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی:^۱ مقاله در آغاز با اشاره به فعالیت اقتصادی یهود در زمینه‌های زراعت، تجارت، صنعت و وضعیت مالی مطلوب یهود در آستانه ظهور اسلام، به اقدامات پیامبر^(ص) در جهت پایه‌ریزی نظام اقتصادی مستقل که موقعیت مالی یهود را دستخوش تحول ساخت، پرداخته است.

تأملی بر دلایل برخورد پیامبر با یهود مدینه:^۲ مقاله در آغاز به حضور پیامبر^(ص) در مدینه و عقد پیمان‌نامه عمومی که ضمن آن با قبول آزادی عمل یهود، آنان را ملزم به عدم همکاری با مشرکان قریش نمود، اشاره دارد. نگارنده مقاله بر این باور است که برخورد پیامبر^(ص) با یهود، بیش‌تر نیازمند بازنگری رفتار و عملکرد یهود در مدینه براساس تعهدات خود آنان است. در ادامه با اشاره به مشاجرات لفظی و طعنه‌های یهود که منجر به تغییر قبله شد، به نقض تعهدات یهود که منجر به درگیری نظامی پیامبر^(ص) با یهود مدینه شد، پرداخته است.

تفسیری تاریخی از یهود براساس قرآن کریم:^۳ مقاله با بیان این مطلب که برخی خاورشناسان از بینش ناکافی قرآن از یهودیت سخن گفته و برخورد مخالفت‌آمیز با یهودیان را بعد از ایمان نیاوردن آن‌ها در مدینه دانسته‌اند؛ به دنبال آن است تا با ارائه تصویری روشن از تاریخ یهود از آغاز تا زمان اسلام و نیز سیر تاریخی عملکرد یهودیان در عصر نزول، زمینه‌ای جهت تبیین دیدگاه‌های قرآن و عملکرد پیامبر^(ص) فراهم سازد. در ادامه با بیان دیدگاه‌های قرآن در مورد تاریخچه و ویژگی‌های یهود با آوردن شواهدی از کتاب مقدس، نشان می‌دهد که نقد قرآن پیرامون یهود، نقد منصفانه‌ای است. هم‌چنین بررسی مواجهه یهود و مسلمانان در بخش دیگر این مقاله بیان‌گر آن

۱ سید احمد رضا خضری و فاطمه احمدوند (۱۳۸۶)، «یهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی»، مجله مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۴، صص ۴۷-۶۶.

۲ امیر اکبری (۱۳۹۰)، «تأملی بر دلایل برخورد پیامبر با یهود مدینه»، پژوهش‌نامه تاریخ، ش ۲۳، صص ۲-۱۶.

۳ محم کاظم شاکری (۱۳۹۱)، «تفسیری تاریخی از یهود براساس قرآن کریم»، فصلنامه کتاب قیام، ش ۶، صص ۷-۲۹.

است که برخوردهای پیامبر^(ص) و مسلمانان با یهود نه از سر کینه‌توزی بلکه متناسب با نوع عملکرد یهودیان بوده است.

شیوه‌های تعامل پیامبر اکرم^(ص) با یهود در مدینه: ^۱ در این مقاله با اشاره به این که قوم یهود در قرآن به عنوان دشمن سرسخت اسلام معرفی شده است؛ به بررسی شیوه‌های برخورد پیامبر^(ص) با این گروه پرداخته است. اقدام پیامبر^(ص) در انعقاد پیمان امنیتی-دفاعی با یهود علیه دشمنان مدینه، اتخاذ روش مسالمت‌آمیز و مدارا از سوی پیامبر^(ص) تا قبل از پیمان شکنی یهود، اتخاذ سیاست جدید در برخورد با یهودیان بعد از مواجهه با عناد و لجاجت آنان و در نهایت رویارویی و اعلان جنگ و مجازات یهودیان از شیوه‌های برخورد پیامبر^(ص) با یهود بود.

یهود مدینه: جایگاه فرهنگی و تعاملات فرهنگی با عرب جاهلی و مسلمانان: ^۲ در این مقاله زوایای تعاملات فرهنگی عرب و یهود به عنوان یکی از عناصر مهم در تبیین ساختار فرهنگی حجاز در عصر نبوی مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، به تفصیل به جایگاه فرهنگی یهود یثرب، آداب، رسوم دینی-اجتماعی و مناسک آنان اشاره شده است. سلطه فرهنگی یهود یثرب در حجاز نزد مشرکان و اعراب بدوی تا زمان نبرد احزاب ادامه داشت. از آن پس مسلمانان در قالب نظامی با هویت فرهنگی مستقل نمایان شدند. در ادامه زمینه‌های فرهنگی درگیری‌های طرفین در عصر نبوی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در مجموع عمده مطالب مورد پژوهش در این مقاله‌ها به چند نکته اشاره دارد: دلایل مهاجرت یهود به جزیره العرب؛ تعاملات فرهنگی و اقتصادی یهود با عرب جاهلی؛ عناد و لجاجت یهود در برابر اسلام علی‌رغم آگاهی پیشین آن‌ها از ظهور پیامبر جدید؛ بینش قرآن در باب یهود؛ تعامل پیامبر^(ص) با یهود؛ مواجهه نظامی پیامبر^(ص) با یهود. در این مقالات مناسبات فرهنگی و اقتصادی یهود با عرب جاهلی و جامعه اسلامی عصر نبوی مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر تأثیرات فرهنگی یهود بر جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر^(ص) مورد توجه خواهد بود. بر این اساس جهت تبیین سابقه آشنایی ساکنان جزیره العرب با فرهنگ یهود و پاسخ به سوال پژوهش حاضر، نگاهی اجمالی به عملکرد فرهنگی یهود پیش از اسلام و نیز بینش

۱ سجاد جیت فروش (۱۳۹۱)، «شیوه‌های تعامل پیامبر اکرم^(ص) با یهود مدینه»، فصلنامه ره‌آورد سیاسی، صص ۲۱-۳۸.

۲ سید احمد رضا خضری و فاطمه احمدوند (۱۳۸۶)، «یهود مدینه: جایگاه فرهنگی و تعاملات فرهنگی با عرب جاهلی و مسلمانان»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء^(س)، ش ۶۶، صص ۶۱-۷۹.

قرآن در باب یهود و تعامل پیامبر^(ص) با این گروه ضروری خواهد بود. هم‌چنین در پژوهش حاضر، عملکرد فرهنگی یهود جزیره‌العرب عمدتاً به لحاظ برخورداری از دانش و آگاهی آنان از تورات و احکام دین یهود در مقایسه با یهودیان سایر مناطق مورد توجه خواهد بود تا از این طریق بتوان تأثیرات فرهنگی متفاوت یهودیان این منطقه با مناطق دیگر بر جامعه اسلامی را مورد ارزیابی قرار داد.

یهود در جزیره‌العرب قبل از اسلام

ارتباط عرب‌ها با یهودیان بسیار پیش‌تر از ظهور اسلام برقرار بوده است و مردمان این منطقه با یهود و آیین آن آشنا بوده‌اند. بررسی دقیق علل و نحوه مهاجرت یهودیان به جزیره‌العرب با توجه به کمبود مدارک و منابع، امکان‌پذیر نمی‌باشد. اطلاعات ما از یهودیان این منطقه عمدتاً با استناد به منابع اسلامی می‌باشد.^۱ تعیین زمان دقیق این مهاجرت میسر نیست و آن را از زمان خرابی معبد دوم اورشلیم در سال ۷۰م؛^۲ حضور در سپاه نبونید - پادشاه بابل - به هنگام عزیمت وی به تیماء؛^۳ اسارت بابلی به دست بختنصر (نبوکد نصر)؛^۴ حکومت داوود^(ع) و حتی زمان حیات موسی^(ع) ذکر کرده‌اند.^۵ این احتمال وجود دارد که با توجه به شرایط سیاسی قوم یهود و نیز اشتغال آنان به تجارت،^۶ مهاجرت آنان به این منطقه امری مستمر و در دوره‌های مختلف بوده است. یهودیان در مناطق متعددی از یشرب، تیماء، فدک، خیبر، وادی القری، یمن، یمامه، عروض، مکه و طائف (عموماً بازرگانان و تجار یهودی) پراکنده بودند.^۷ در باب یهودیان این منطقه و این‌که آیا از نسل بنی‌اسرائیل هستند یا از اعراب بومی، اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که اهالی یشرب، عرب‌هایی بودند که دین یهود را پذیرفتند.^۸ البته برخی از قبایل عرب و تعدادی از ساکنان عرب منطقه به آیین یهود

۱ جواد علی (۱۴۱۳)، *المفصل فی تاریخ العرب*، ج ۶، بغداد: ابي نا، ص ۵۱۲.

۲ عبدالرحمان بن خلدون (۱۳۶۳)، *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۵۹۴.

۳ جواد علی، همان، ج ۶، ص ۵۱۳.

۴ احمد بن یحیی بلاذری (۱۴۲۰)، *فتوح البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۲۲.

۵ *تورات*، سموئیل، ۱۸:۱۳؛ نیز نک: جواد علی، همان، ج ۶، ص ۵۱۷.

۶ جواد علی، همان، ج ۶، ص ۵۱۶ در باب زمان و علل مهاجرت یهودیان به این منطقه: نک:

Charles Cutler Torrey (1967), *The Jewish foundation of Islam*, New York, pp.8-13

۷ نک: Torrey-Ibid, p.15.

۸ جواد علی، همان، ج ۶، ص ۵۱۱.

۹ برای نمونه نک: شهاب‌الدین یاقوت حموی (۱۴۰۸)، *معجم البلدان*، ج ۳، بیروت: داربیروت، ص ۵۹۸.

گرویده بودند و در مناطق استقرار قبایل یهود، سکونت داشتند.^۱ یهودی شدن عرب‌های منطقه توسط گزارش‌هایی که در آن‌ها به حضور یهودیان در قبایلی هم‌چون حمیر، بنی‌کنانه، بنی‌حارث بن کعب و کنده و غسان اشاره شده است، تأیید می‌شود.^۲ هم‌چنین اقدام تبّع یمن در یهودی کردن ساکنان این منطقه، دلیلی است بر این که علاوه بر یهودیان، تعدادی از عرب‌ها نیز به دین یهود گرویده بودند.^۳ برخی محققان معتقدند که یهود جزیره‌العرب بی‌ارتباط با یهودیان سایر مناطق بوده است. به این دلیل، در گزارش‌های مورخان یهودی اشاره‌ای به یهودیان این منطقه نشده است. از نظر این مورخان، یهودیان این منطقه به لحاظ اعتقادی و پایبندی به احکام دین یهود همانند یهودیان سایر مناطق نبوده‌اند؛ لذا کم‌تر آنان را به عنوان یهودی به شمار آورده‌اند.^۴ در بررسی این مطلب، نخست باید توجه داشت که ادعای عدم ارتباط یهود این منطقه با مناطق دیگر نیاز به شواهد و مدارک دارد. دیگر آن که، با وجود اتصال حجاز و شام به یکدیگر و ارتباط دائم ساکنان این مناطق به واسطه تجارت، این فرضیه چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.^۵ به ویژه آن که چون احبار منطقه طبریه به نزد یهود یمن می‌رفته‌اند، این احتمال وجود دارد که نزد یهود یثرب، خیبر و تیماء نیز رفت و آمد داشته‌اند.^۶ اما به نظر می‌رسد که به لحاظ سطح دانش میان یهودیان جزیره‌العرب با سایر مناطق تفاوت‌هایی وجود داشت و شاید این امر، علت عدم توجه مورخان یهودی به یهودیان این منطقه باشد؛^۷ چرا که فلسطین، عراق و مصر، کانون‌های علمی و مراکز مهم استقرار یهودیان بود. بدیهی است که حیات علمی یهودیان و فعالیت‌های علمای این مناطق مورد توجه مورخان یهودی بوده است و به دلیل عدم اهمیت یهودیان جزیره‌العرب در مقایسه با کانون‌های اصلی توجهی به آنان

۱ برای نمونه تعدادی از قبایل یهودی شده نک: عزالدین ابی‌الحسن ابن‌اثیر (۱۹۹۴)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۴۰۱؛ علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی (بی تا)، *الاعانی*، ج ۱۹، بیروت: مؤسسه جمال للطباعة و النشر، ص ۹۵؛ نیز نک: جواد علی، همان، ج ۶، ص ۵۱۹؛ نیز نک: جبل بن جوال بن صفوان الثعلبی، احمد بن علی بن حجر (بی تا)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ص ۲۲۳؛ نمونه عرب یهودی شده که با بنی‌قریظه زندگی می‌کرد و در زمان پیامبر (ص) اسلام آوردند.

۲ عبدالله بن مسلم بن قتیبه (۱۴۱۵)، *المعارف*، قم: منشورات شریف رضی، ص ۶۲۱؛ مطهر بن طاهر مقدسی (۱۳۷۴)، *البدء و التاریخ*، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، ج ۴، تهران: آگه، ص ۳۱.

۳ احمد بن ابی‌یعقوب (۱۳۷۱)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۲۲۶.

۴ اسرائیل ولفنسون (۱۹۲۷)، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر الاسلام*، مصر: مطبعة الاعتماد، ص ۱۳؛ نیز نک: Bernard Lewis (1984), *The Jews of Islam*, Princeton: p.68

۵ جواد علی، همان، ج ۶، ص ۵۲۸.

۶ همان، ص ۵۵۹.

۷ همان .

نشده است.^۱ عدم حضور جدی یهودیان جزیره العرب در میان مشاهیر فرهنگ و علم یهود، نشان از پایین بودن سطح علمی یهودیان این منطقه دارد. علمای یهودی این منطقه فاقد ارتباط مستمر با کانون‌های علمی یهود بودند.^۲ البته برخی استثناها نیز وجود دارد. از جمله اشاره به فردی به نام «شمعون التیمی» در تلمود^۳ نشان می‌دهد که او به عنوان فردی یهودی از اهالی تیماء توانسته بود در دانش یهود به شهرت برسد. از سوی دیگر بیان گر آن است که یهودیان این منطقه به دلیل پایین بودن سطح دانش، ارتباط چندانی با سایر مناطق یهودی‌نشین نداشته‌اند؛ در غیر این صورت تعامل تجاری ساکنان این مناطق برقرار بوده است. این امر سبب شد که یهود جزیره العرب به لحاظ سطح دانش پایین‌تر از ساکنان یهودی مناطق دیگر باشد. این احتمال نیز وجود دارد که به علت اشتغال یهودیان جزیره العرب به امر تجارت، مجال چندانی برای پرداختن به امور دینی و علمی نداشته‌اند.^۴ با وجود وجود این، یهودیان نسبت به همسایگان عرب خود برتری خاصی برای خویش قائل بودند. یهودیان دارای مدارس بودند^۵ که در آن‌ها احبار و ربانیون، احکام شرعی، تاریخ قوم یهود، اخبار پیامبران و در مجموع مطالبی از تورات و میشنا را تعلیم می‌دادند. این مدارس غیر از اماکن عبادی ایشان بود و مردم عرب نیز به آن آگاه بودند و مکان عبادت ایشان را کنیسه می‌نامیدند. مدارس یهود البته به نوعی دارالندوه و محل اجتماع احبار و بزرگان یهود بود و مردم عرب و بزرگان و اشراف آنان به هنگام بحث و گفت‌وگو و طرح سوال از یهودیان، به این مکان‌ها مراجعه می‌کردند.^۶ البته با توجه توجه به اختلاف سطح دانش یهودیان این منطقه با مناطق دیگر، این مدارس با مدارس مناطق دیگر متفاوت بوده است.

با توجه به وضعیت علمی یهودیان منطقه، برخی معتقدند که یهودیان جزیره العرب زندگی همسانی با همسایگان عرب خود داشتند. بهره آن‌ها از تمدن اندک بود و بیشتر آنان مانند اعراب بی‌سواد بودند و جز علمای مذهبی آنان اکثریت مردم کم‌تر قادر به خواندن و نوشتن بودند. البته علمای مذهبی هم بهره چندانی از دانش نداشتند.^۷ فقدان اطلاعات مانع از بررسی دقیق فعالیت علمی

۱ همان، ج ۶، ص ۵۱۶.

۲ همان، ج ۶، ص ۵۲۸.

۳ برای نمونه نک: ۱۲:۳ و Sanhedrin؛ 13Y؛ Yebamoth, 4؛ 4:24؛ Berachoth؛ Talmud.

۴ جواد علی، همان، ج ۶، ص ۵۵۹.

۵ مدارس از لفظ عبرانی مدارس از اصل دَرَس در مقابل دَرَس در زبان عربی است.

۶ همان، ص ۵۵۰.

۷ نک: طه حسین [بی تا]، آئینه اسلام، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشار، ص ۷.

علمی یهودیان منطقه می‌شود. اما دربارهٔ یهودیان بنی‌نضیر و بنی‌قریظه گفته شده است که اینان به کاهنین معروف بودند. نسب اینان به کاهن هارو بن عمران می‌رسید.^۱ اینان از اصل و نسب بالایی برخوردار بودند^۲ که سبب جدایی آن‌ها از سایر طوایف یهود می‌شد. این امر باعث سیادت آنان بر سایر یهودیان بود. بسیاری از بزرگان یهود وابسته به این دو قبیله بوده‌اند.^۳ هم‌چنین براساس گزارش‌ها، در دورهٔ پیش از اسلام، بخش‌هایی از کتاب مقدس به عربی ترجمه شده بود و یهودیان در اجرای شعائر و نیز مقاصد تبلیغی از آن استفاده می‌کردند.^۴ با توجه به این که زبان عبری، زبان دینی دینی یهود بود، می‌توان گفت که علمای یهود منطقه به زبان عبری و اندکی آرامی، آشنایی داشتند؛ اما به نظر می‌رسد که اکثریت یهودیان قادر به صحبت کردن به زبان عبری و آرامی نبودند و به زبان عربی صحبت می‌کردند.^۵ به ویژه آن که در میان ایشان عرب‌های یهودی شده نیز حضور داشتند.^۶

در مجموع، محققان در تحلیل ماهیت دینی - فرهنگی یهود حجاز، آگاهی آنان از دیانتشان را در مقایسه با یهود عراق، مصر و بابل اندک می‌دانند. این گروه، احکام دین یهود را از روحانیون حجاز و احبار طبریه، کسب نموده و کورکورانه از آنان پیروی می‌کردند.^۷ شاید بتوان نقصان اطلاعات دینی یهود عرب زبان حجاز را به عدم دسترسی مستقیم عوام ایشان به متن عبری یا آرامی تورات نسبت داد. این امر قرائت تورات را منحصر به احبار یهود ساخت و منجر به تعلیم تفاسیر شخصی ایشان، تحت عنوان مفاهیم تورات به یهود حجاز شد.^۸

مطلب دیگر آن که یهودیان جزیرهٔ العرب تقبّد چندانی به حفظ هویت قومی نداشتند. استفاده از اسامی عربی برای نام‌گذاری قبایل و اشخاص، این مطلب را تأیید می‌کند. آن‌ها در حیات سیاسی و اجتماعی تفاوت چندانی با عرب نداشتند و به جز دین در بیشتر موارد، شبیه همسایگان عرب خود بودند. شاید به این دلیل که یهودیان اصیل در اقلیت بودند، نمی‌توانستند مانند یهودیان سایر

۱ احمدبن عمر بن رسته (۱۳۶۵)، *الاعلاق النفیسه*، ترجمهٔ حسین قرچانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۷۴.

۲ زبیدی (بی‌تا)، *تاج العروس*، تحقیق محمود محمد طماچی، ج ۵، کویت: مطبعة حکومت الکویت، ص ۲۵۹؛ «واژه قرظ».

۳ برای نمونه نک: ابن‌هشام (۱۳۶۲)، *السیرة النبویة*، ترجمهٔ رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی، تصحیح اصغر مهدوی، ج ۲، تهران: انتشارات خوارزمی، ص ۵۴۸؛ محمدبن جریر طبری (۱۹۶۷)، *تاریخ الرسل والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، بیروت: دارالتراث، ص ۱۷۷؛ بلاذری، همان، ج ۱، ص ۳۲.

4 Camilla Adang (1996), *Muslim Writers on Judaism and the Hebrew*, Leiden: p.9.

۵ جواد علی، همان، ج ۶، ص ۵۵۸.

۶ همان.

۷ ولفنسون، همان، ص ۲.

۸ جواد علی، همان، ج ۶، صص ۵۵۴، ۵۵۸؛ نیز نک: خضری و احمدوند، همان، ص ۶۵.

مناطق یک زندگی کاملاً شریعت محور داشته باشند.^۱ از سوی دیگر خود نیز تقیید چندانی به شعایر دینی نشان نمی‌دادند. به همین دلیل، اقدام به ازدواج با زنان عرب می‌کردند و مخالفتی نیز با ازدواج عرب‌ها با زنان یهودی نشان نمی‌دادند.^۲ بدین ترتیب، یهودیان با داشتن دین خود با تأثیر-پذیری از محیط عربی بر زندگی و جامعه عرب نیز تأثیرگذار بوده‌اند.^۳

یهود در قرآن

عرب‌های جزیره‌العرب علاوه بر آشنایی و تعامل با یهودیان در دوره پیش از اسلام در دوره اسلامی نیز به واسطه کثرت اشاره‌های قرآن به این قوم به شناخت بیش‌تری از آن‌ها دست یافتند. کثرت یادکرد بنی‌اسرائیل^۴ به عنوان قوم موسی^(ع) و اشاره فراوان به حوادث این قوم در قرآن، نشان نشان دهنده جایگاه مهم این قوم نزد مسلمانان صدر اسلام است. از سوی دیگر پیامبر بر آن بود تا با تأکید بر فرو فرستادن کتاب بر موسی^(ع) ارتباط میان برتری فرهنگی بنی‌اسرائیل با نزول کتاب از جانب خدا بر عرب تبیین شود.^۵ علاوه بر ذکر این قوم با تعبیر بنی‌اسرائیل، تعبیر «الیهود» در دوران دوران مدنی (و نه مکی)، به کار می‌رفت.^۶ زیرا برخلاف ایام مکه، تقابلی که در مدینه میان پیروان پیامبر اکرم^(ص) و ایشان رخ داده بود، بیش از هر چیز تقابل دو هویت دینی بود. بنی‌اسرائیل که پیش از این به سبب آگاهی‌های دینی‌شان هم‌چون گروهی مرجع برای پاسخ‌گفتن به برخی تشکیک‌های مشرکان جلوه‌گر بودند هم‌اکنون در آیات مدنی به چالش کشیده شدند.^۷ حتی گاهی با تردید در برخی آگاهی‌های دینی آنان، پیامبر اکرم^(ص) با ایشان به تورات احتجاج می‌کرد.^۸ با گسترش مرزهای حکومت اسلامی، به تدریج تقابل میان یهود و عرب به صورت تقابل دو هویت دینی جلوه‌گر شد.

۱ همان.

۲ همان.

۳ برای نمونه‌هایی از تأثیر یهود در باورهای عرب پیش از اسلام و جایگاه برتر آنان نک: ولفنسون، همان، صص ۱۲۰-۱۲۹؛ البته برخی از محققان در باب تأثیرپذیری عرب از یهود دچار افراط شده‌اند. در پاسخ به اغراق این محققان نک: جواد علی، همان، ج ۶، صص ۵۶۶-۵۶۸.

۴ در آیات مکی: ۲۲ آیه؛ در آیات مدنی: ۱۹ آیه.

۵ ابی‌الفداء اسماعیل بن کثیر (۱۴۰۷)، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱ و ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، صص ۳۲۱، ۳۳۷.

۶ برای نمونه نک: سوره بقره، آیه ۱۱۳، ۱۲۰؛ سوره ملئده، آیه ۱۸، ۵۱، ۶۴، ۸۲؛ سوره توبه، آیه ۳۰؛ سوره آل عمران، آیه ۶۷.

۷ سوره بقره، آیه ۷۸.

۸ سوره آل عمران، آیه ۹۳.

یهود در عصر پیامبر (ص)

با هجرت پیامبر (ص) به مدینه، علاوه بر تداوم یادکرد یهود در قرآن، بخشی از حیات پیامبر (ص) معطوف به اتخاذ سیاست‌های مناسب برای مقابله با عملکرد یهودیان بود. در ابتدا، پیامبر (ص) برای تأمین امنیت مدینه در مبارزه با مشرکین مکه، اقدام به انعقاد پیمان نامه‌ای عمومی با ساکنان مدینه و از جمله با یهودیان نمود.^۱ اینان با وجود یادکرد نشانه‌های پیامبر (ص) در تورات و علی‌رغم تعهدشان به عدم دشمنی با پیامبر (ص) از پیمان خود عدول کردند و به دشمنی با رسول خدا (ص) برخاستند. کارشکنی‌های یهود منحصر به یک زمینه نبود، بلکه آنان در زمینه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی، اعتقادی و اقتصادی اقدام به آشکار کردن دشمنی خود با پیامبر (ص) و مسلمانان کردند.^۲ پیامبر (ص) برای مقابله با کارشکنی‌های یهود، علاوه بر انعقاد پیمان نامه، روش‌های دیگری نیز اتخاذ کردند.^۳ با تمام تلاش‌های پیامبر (ص) جهت ایجاد زمینه مناسب برای تعامل مسلمانان با یهودیان، از آن‌جا که کارشکنی‌های آنان، مصالح جامعه اسلامی را مورد تهدید قرار می‌داد، پیامبر (ص) ناگزیر از برخورد نظامی با یهودیان شد. پیامد این غزوات، اخراج دسته‌ای از یهودیان از جامعه اسلامی و تسلیم شدن دسته‌ای دیگر از آنان به شرایط حکومت اسلامی بود.^۴

۱ ابن‌هشام، همان، ج ۲، ص ۴۵۲.

۲ برای نمونه نک: به استناد قرآن؛ کارشکنی‌های یهود در زمینه سیاسی-نظامی: ۱. جاسوسی علیه مسلمین (سوره آل عمران، آیه ۱۱۸)، ۲. جلوگیری از اتحاد و همبستگی (سوره آل عمران، آیه ۱۰۰)، ۳. طرح ترور پیامبر (ص) (سوره حشر، آیه ۴۰۲)؛ کارشکنی‌ها در زمینه فرهنگی: ۱. شبهه افکنی در مسائل اعتقادی مختلف (سوره آل عمران، آیه ۱۱۸)، ۲. شبهه ارائه تورات در قرآن به گونه‌ای تحریف یافته (سوره مائده، آیه ۱۹)، ۳. ترجیح بت‌پرستی بر خداپرستی جهت ایجاد تردید در مشرکین (سوره نساء، آیه ۵۱)، ۴. به بازی گرفتن اصل دین (سوره آل عمران، آیه ۷۲)؛ کارشکنی‌ها در زمینه اعتقادی: ۱. انحراف از اصل توحید (سوره انعام، آیه ۱۹)، ۲. انکار نبوت (سوره مائده، آیه ۱۵۹)، ۳. انکار قیامت (سوره ممتحنه، آیه ۱۳)، ۴. دشمنی با جبرئیل (سوره بقره، آیه ۹۷)؛ کارشکنی‌ها در زمینه اقتصادی: ۱. بحران اقتصادی (سوره آل عمران، آیه ۱۸۱)، ۲. ترغیب مسلمین به بخل ورزی (سوره نساء، آیه ۳۷).

۳ برای نمونه نک: ابن‌هشام، همان، ج ۱، ص ۵۴۵؛ اتخاذ روش مسالمت‌آمیز و مدارا با یهود (همان)؛ تأکید بر وجوه اشتراک جهت ایجاد همبستگی بیشتر میان ادیان آسمانی به توصیه قرآن (سوره آل عمران، آیه ۶۴)؛ پرهیز از وجوه افتراق، بحث و مناظره؛ برای نمونه نک: ابن‌هشام، همان، ج ۳، صص ۲۲۰-۲۲۱؛ دعوت اهل کتاب به تحدی (سوره بقره، آیه ۲۳-۲۴)؛ از جمله اقدامات پیامبر (ص) برای مقابله با کارشکنی‌های یهود بود.

۴ برخی از محققان، بدون توجه به واقعیت‌های تاریخی، دلیل برخورد نظامی پیامبر (ص) با طوایف یهودی مدینه را عدم گرایش آنان به اسلام می‌دانند. اینان معتقدند، چون یهودیان مدینه به اسلام ایمان نیاوردند، مورد خشم پیامبر (ص) قرار گرفتند و در نتیجه از جزیره العرب بیرون رانده شدند. ایزیدور اپستاین (۱۳۸۵)، یهودیت، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ص ۲۱۸؛ نیز نک: Lewis, p.70; Torrey, p.13.

وضعیت یهودیان تحت حکومت اسلامی

با آغاز فتوحات اسلامی و فتح مناطق مختلف، یهودیان ساکن در این مناطق، تحت حکومت اسلامی درآمدند. براساس گزارش منابع، ساکنان بیت المقدس مشروط به عقد پیمان نامه با شخص خلیفه، حاضر به مصالحه و تسلیم شهر به مسلمانان شدند.^۱ بعدها مفاد پیمان نامه عمر، مبنای سیاست خلفای عباسی در تعامل با یهودیان بود.^۲ نگاهی به تاریخ یهود بعد از آغاز فتوحات مسلمانان نشان می دهد با وجود برخوردی که میان پیامبر^(ص) و یهودیان رخ داد، کار یهودیان در جهان بینی اسلامی به پایان نرسید. با توجه به تأکید اسلام بر وحدت ادیان توحیدی،^۳ یهود به عنوان اهل کتاب در سرزمین های اسلامی باقی ماندند. توان سازش یهودیان با فتوحات اسلامی، بسیار پیش تر از گروه های دیگر بود. آنان به عنوان یک اقلیت تحت حکومت اسلامی، از مهارت های گوناگون که لازمه یک زندگی اجتماعی بود، برخوردار بودند. فقهای یهودی توانستند با حاکم کردن قانون تلمودی در میان مردم خود، آنان را قادر سازند تا علی رغم فقدان یک مرکز دینی به سادگی با اکثریت، همزیستی داشته باشند. از سوی دیگر این فقها، یهودیان را متقاعد کردند که قانون دولت همانند شریعت لازم الاجرا است. یعنی خود را با شرایط موجود تطبیق دادند.^۴ به هنگام فتوحات اسلامی، یهودیان به لحاظ فرهنگی به دو دسته تقسیم می شدند: یهودیان آرامی زبان و یونانی زبان. به لحاظ سیاسی، یهودیان مناطق مختلف تابع یکی از دو امپراطوری ایران یا روم شرقی بودند. با آغاز فتوحات اسلامی و گسترش آن، اجتماعات یهودی ساکن در عراق، ایران، سوریه، فلسطین، مصر و آفریقای شمالی یکی شدند و اکثریت غالب را تشکیل دادند. در این مناطق یهودیان عمدتاً در شهرها سکونت داشتند.^۵ در دوران ثبات و اقتدار حکومت اسلامی، تسامح و عدالت از صفات بارز آن بود.^۶ در دوره اسلامی، یهودیان به لحاظ شرایط سیاسی و قانونی و

۱ مجیرالدین حنبلی (۱۲۶۸)، *الانس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل*، ج ۱، قم: منشورات رضی، ص ۱۲۶؛ نیز درباره مفاد پیمان نامه نک: Dan-Cohn-Sherbok Judaism (2003), *History, Belief and Practice*, London: p.140.

2 Dancohn – Sherbok, Ibid, p.138.

۳ سوره آل عمران، آیه ۶۴.

۴ نک: عبدالوهاب محمدالمسیری (۱۳۸۳)، جهان اسلام از زمان گسترش اسلام تا هنگام سقوط بغداد، *دایرة المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم*، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش های تاریخ خاورمیانه، ج ۴، تهران: کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضة فلسطین، ص ۲۶۴؛ امری که پیش از آن نیز یهودیان به هنگام اقامت در سرزمین های تحت نفوذ ساسانیان انجام داده بودند . Dancohn – Sherbok, p.138.

5 Lewis, Ibid, p.67.

۶ اما به هنگام ضعف حکومت، دیگر تسامح و عدالت، صفات دائمی حکومت نبود. بر اساس شواهد در برخی از این دوره ها،

برخوردار بودن از نهادهای دینی و اداری، وضعیتی شبیه به دوره تحت نفوذ امپراطوری ساسانی داشتند. در این دوره یهودیان نماینده‌ای به نام راس الجالوت (xilarch) در دربار خلیفه عباسی داشتند. بدین ترتیب، با تأیید نفوذ و اقتدار سستی رأس الجالوت، او به عنوان نماینده یهودیان در دربار، مسئول تنظیم روابط یهودیان با حکومت، وصول مالیات سرانه و نظارت بر مؤسسات و نهادهای حقوقی و قضایی یهود بود.^۱ در بُعد اقتصادی، اقلیت‌های یهودی در سرزمین‌های اسلامی، دچار تبعیض و تفاوت چشمگیر شغلی نبودند. از نظر زمین‌داری، آنان زمین‌های بزرگی در مناطق مختلف داشتند و بدون هیچ مشکلی می‌توانستند از طریق وراثت یا خرید و فروش با هم‌کیشان خود یا با مسلمانان به نقل و انتقال املاک خود بپردازند.^۲ از مهم‌ترین مشاغل که یهودیان به آن می‌پرداختند، تجارت و دیگری طبابت بود.^۳ در امر بازرگانی و تجارت، آنان از آزادی کامل برخوردار بودند.^۴ هم‌چنین یهودیان به برخی مشاغل ممتاز مانند نویسندگی و ترجمه نیز می‌پرداختند.^۵ یهودیان می‌توانستند منصب بالای حکومتی را نیز در اختیار بگیرند. اما به دلایل امنیتی، آن مناصب باید کاملاً اجرایی و فاقد قدرت قانون‌گذاری یا سیاسی می‌بود از جمله این مناصب، منصب جهیذ بود.^۶ از جمله مشهورترین یهودیان در این منصب، یوسف بن فنحاس و هارون بن عمران بودند.^۷ مقتدر با استفاده از اعتبار جهیذان یهودی در مواقع نیاز، به وساطت آن‌ها از تجار ثروتمند وام می‌گرفت.^۸ با ضعف خلفای عباسی و مهاجرت یهودیان به غرب جهان اسلام، در سده سیزدهم میلادی برای نخستین بار در تاریخ، جمعیت یهودیان در اروپا به خصوص اسپانیا

→

حکومت درباره لباس و سایر امور امنیتی، قوانین ویژه تبعیض‌آمیزی علیه ذمیان وضع می‌کرد. برای نمونه نک: سخت‌گیری متوکل بر ذمیان: ابن‌اثیر، همان، ج ۷، ص ۵۸؛ البته به نظر می‌رسد که وضع این قوانین عمدتاً در ایامی بود که اختلاط و آمیزش مسلمانان با ذمیان زیاد می‌شد. از این رو، فقها که نگران هویت اسلامی بودند، خواستار وضع قوانین شدید علیه ذمیان می‌شدند و حکومت نیز از آنان حمایت می‌کرد. المسیری، همان، ج ۴، ص ۲۶۵.

1 Dancohn – Sherbok, Ibid, p.138.

۲ المسیری، همان، ج ۴، ص ۲۶۵.

3 Lewis, Ibid, p. 78.

4 Dancohn – Sherbok, Ibid, p.138; Lewis, Ibid, p.78.

۵ نک: المسیری، همان، ج ۴، ص ۲۶۶؛ نیز نک: Lewis, Ibid, p. 85؛ طبقات متوسط جامعه یهود به برخی صنایع و حرفه‌ها مشغول بودند.

۶ ابو عبدالله محمد بن عبدوس جهشیاری (۱۴۰۸)، *الوزراء و الکتاب*، بیروت: دارالفکر، ص ۱۱۴؛ جهیذ از مأموران عالی رتبه بیت المال بوده و ظاهراً اختیارات وسیعی داشت.

۷ ابوعلی مسکویه (۱۳۶۹)، *تجارب الامم*، ترجمه امامی و منزوی، ج ۱، تهران: سروش، صص ۷۹-۸۰؛ ۱۱۲، ۱۲۸.

۸ برای اطلاع بیشتر نک: ولترج. فیشل (۲۰۰۵)، *یهود فی الحیاة الاقتصادية و السیاسية للتول الاسلامیة*، دمشق: التلوین للطباعة و النشر و التوزیع، صص ۱۷-۵۹.

بیشتر از خاور نزدیک بود.^۱

مقوله تأثیرپذیری اسلام از یهود

سابقه ادعای تأثیرپذیری اسلام از یهود به دوران پیامبر^(ص) برمی‌گردد. دشمنان و مخالفان پیامبر^(ص) برای تضعیف ایشان، اتهامات مختلفی را وارد کردند. از جمله پیامبر^(ص) را متهم کردند که تعالیم خود را تحت تأثیر آموزش علمای یهودی و مسیحی عرضه داشته است. قرآن به این تلاش مخالفان در قالب آیاتی پاسخ داده است.^۲ اما اتهام به پیامبر^(ص) و دین او، محدود به عصر ایشان نبود. بسیاری از مستشرقین تلاش کردند تا اسلام را نه به عنوان یک دین جدید، بلکه آیینی متأثر از تعالیم یهودیت و مسیحیت نشان دهند.^۳ حتی برخی معتقدند که اسلام، انشعابی از دین یهود است.^۴ به نظر می‌رسد، وجوه مشترک اسلام با این دو دین، علت طرح این مسئله باشد. امری که مورد اشاره قرآن و توجه پیامبر^(ص) بوده است. پیامبر^(ص) در معرفی دین خود به عنوان یک دین توحیدی به تأیید ادیان توحیدی و پیامبران الهی پیش از خود پرداخت.^۵ این بدان معناست که آشخور وحی در همه ادیان آسمانی یکی است و مشابهت این ادیان در احکام و مطابقت آن‌ها در اصول اعتقادی دقیقاً ناشی از وحدت منبع آن‌هاست. در بررسی جایگاه اسلام در میان ادیان توحیدی دو حالت می‌توان در نظر گرفت: ۱. اسلام را به عنوان یک دین مستقل توحیدی در نظر بگیریم. ۲. اسلام را نه به عنوان دین جدید بلکه متأثر از ادیان پیشین بدانیم. گرایش به هر یک از این دو دیدگاه تبعات خاص خود را دارد. اگر اسلام را به عنوان یک دین توحیدی مستقل در کنار دین توحیدی یهود مورد مطالعه قرار دهیم، به نقاط مشترک بسیاری در این دو دین پی خواهیم برد.^۶

1 Lewis, Ibid, p.67.

۲ سوره نحل، آیه ۱۳۰؛ سوره یونس، آیه ۳۷؛ لسان‌الذی یلحدون الیه اعجمی ... در رد ادعای نسخه‌برداری پیامبر^(ص) از تورات و تعلیم گرفتن ایشان از شخصیت‌های مسیحی، نک: بوکای‌آبی‌تا، عهدین؛ قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، تهران: انتشارات سلمان، صص ۲۰۱-۲۰۲؛ محمود رامیار (۱۳۶۲)، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۳۱.

۳ برای نمونه نک: Torrey, Ibid, p.3.

۴ Abraham Geiger, *Was hat Mohammed aus dem Judentume aufgenommen*؛ محمد^(ص) از یهودیت چه چیزی را پذیرفته است؟ به نقل از: Lewis, Ibid, p.68.

۵ سوره احقاف، آیه ۹؛ سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۶ هر دو دین توحیدی ادعا می‌کنند که تنها یک خدا، بر تمام مخلوقات حکم می‌کند. در هر دو، خداوند مطالب خود را از طریق وحی ابلاغ کرد. هر دو پیامبر صاحب کتاب هستند. یهودیت و اسلام، موافق آن فرهنگ اجتماعی هستند که با مذهب در ارتباط می‌باشد. هر دو بر اساس احکام الهی تشکیل شده‌اند. از منظر اسلام و یهودیت، زندگی روزمره و تمام

البته تفاوت‌هایی بین این دو دین توحیدی وجود دارد و نیز هر یک ویژگی‌هایی دارد. با عدم اعتقاد به منبع آسمانی دین اسلام در حالت دوم، اگر اسلام را انشعابی از دین یهود و یا تعالیم آن را برگرفته از ادیان پیشین بدانیم، در این صورت، اصول اعتقادی، احکام اسلام و آیین‌هایی مانند نماز و روزه متعلق به ادیان دیگر و متأثر از آن‌ها جلوه خواهد نمود.^۱ برخی نیز معتقدند که محمد^(ص) از طریق وحی، عقایدی را ابراز کرد. انجام اعمالی را توصیه نمود که طنین و شکل یهودی داشت. از نظر آنان محتوای برخی از سنت‌های اسلامی از همین منبع (یهود) سرچشمه گرفته و ساختار دین اسلام حکایت از تأثیر بارز یهودیت در آن دارد.^۲ اما همان‌طور که اشاره شد، وجوه اشتراک اسلام و یهود به عنوان ادیان توحیدی با توجه به ماهیت مستقل هر یک، ناشی از آن است که هر دو از یک منبع سرچشمه گرفته‌اند. بنابراین آئین‌های عبادی که مسلمانان موظف به انجام آن‌ها بودند، نه آیین‌های برگرفته از یهود، بلکه به عنوان رکنی از ارکان یک دین توحیدی می‌باشد. از این‌رو بر خلاف نظر کسانی که معتقدند پیامبر^(ص) در آغاز برای جلب حمایت یهودیان از اسلام، بسیاری از باورهای دینی آنان را اقتباس کرد؛^۳ این عناصر از ضروریات یک دین توحیدی است و ارتباطی به تأثیرپذیری اسلام از ادیان دیگر ندارد. برخی بر این باورند که کیفیت اجرای مناسک اسلامی و سنت‌هایی نظیر نماز، اذان، قبله، روزه، مراسم قربانی و زکات، متأثر از باورهای مسیحیت، عرب جاهلی و باورهای یهود است^۴ و یا این که این سنت‌ها در مکه، شکل نیمه یهودی داشته‌اند و در مدینه شکل اسلامی یافتند.^۵ از نظر آنان، این

رفتارهای معمولی تحت قوانین الهی می‌باشد. آموزش تورات از نظر یهودیان و آموزش قرآن از نظر مسلمانان لازمه ایجاد حکومت الهی در زمین می‌باشد. در طول تاریخ، قوانین برگرفته از تورات برای یهودیان و نیز احکام و قوانین استخراج شده از قرآن (سنت) برای مسلمانان مورد اعتماد و اعتبار بوده است. هم‌چنین در یک زندگی مبتنی بر قوانین مذهبی، رابطه فرد با خدا و فرد با فرد، از مفاهیم بسیار مهم و اصلی می‌باشد. رابطه فرد با خدا در قالب عبادت مورد توجه قرار می‌گیرد. از این‌رو، سنت‌هایی مانند نماز، روزه و طهارت در هر دو مذهب مطرح است. Comparing Islam and Judaism in Particular: pp.1-17 نیز نک: رونالد نتر (۱۳۸۸)، «اسلام و یهودیت»، دایرة المعارف جهان نوین اسلام، ترجمه حسن طارمی، ج ۱، تهران: نشر کتاب مرجع، ص ۴۳۶؛ در مقوله فرد با فرد، هر دو دین به قوانین الهی بین روابط دو جنس مخالف اشاره دارد. (ازدواج، طلاق؛ تلقی گناه آلود بودن روابط نامشروع زن و مرد). هم‌چنین درباره ارث، رفتار با فقرا، و نیز انجام کارهایی که سبب خشنودی خداوند می‌شود، در هر دو دین مطرح است.

1 Torrey, Ibid, p.4.

۲ نتر، همان، ص ۴۳۶.

۳ ایستاین، همان، ص ۲۱۷.

4 Wensink(1982), *Muhammad and the Jews Medin*, Berlin: p.72 Arnet.

۵ نتر، همان، ص ۴۳۶.

آیین‌ها، به عنوان سنت‌های اسلامی توسط پیامبر^(ص) عرضه شده است؛ اما در چگونگی اجرای آن‌ها متأثر از باورهای پیشین بوده است. این موضوع نیازمند تأمل و بررسی بیشتر است. البته پیامبر^(ص) در مورد نحوه اجرای سنت‌های اسلامی اقداماتی انجام دادند و با درک حساسیت این مطلب، تلاش کردند تا مرزهای اعتقادی خود را با اهل کتاب مشخص کنند.^۱ ولی این امکان وجود دارد که با توجه به سابقه طولانی یهودیان و مسیحیان در انجام مناسک و شعایر دینی، مسلمانان در ابتدا در انجام این قبیل سنت‌های اسلامی، از آنان الگوبرداری کرده باشند. اما در ادامه، پیامبر^(ص) برای تمایز مسلمانان از اهل کتاب، اقدام به مرزبندی اعتقادی مسلمانان با آنان کردند. بدین ترتیب، مسلمانان به شکلی متفاوت با اهل کتاب، آیین‌های مشترک خود با آنان را انجام می‌دادند.^۲

تأثیرپذیری پیامبر^(ص) و قرآن از ادیان دیگر در نگاه محققان مسلمان موضوع جدی و مورد توجه نبوده است؛ زیرا که از نظر مسلمانان، قرآن، کلام الهی می‌باشد و از هرگونه جعل و تحریف به دور است.

ابعاد تأثیر فرهنگی یهود بر جامعه اسلامی

در تبیین تأثیر فرهنگی یهود ضرورت دارد به تاریخ یهود و وضعیت آنان در منطقه جزیره العرب و یهودیان مناطق دیگر که بعد از آغاز فتوحات تحت حکومت اسلامی درآمدند، توجه کنیم. در بررسی وضعیت یهودیان جزیره العرب اشاره شد که یهودیان این مناطق به گونه‌ای بی‌ارتباط با یهودیان مناطق دیگر به سر می‌بردند. علی‌رغم عدم وجود موانع طبیعی، ظاهراً تفاوت سطح دانش

۱ از موارد تمایز مسلمانان با اهل کتاب، انتخاب «اذان» به عنوان وسیله‌ای برای آگاه کردن مسلمانان از اوقات نماز و یا تعیین روز «جمعه» به عنوان روز تعطیل مسلمانان می‌باشد. یا تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه در بعد از هجرت به مدینه بیان‌گر تلاش پیامبر^(ص) برای تحدید کامل پیوندهای مسلمین حول محورهای معین می‌باشد. ابن‌هشام، همان، ج ۲، ص ۴۵۷؛ محمد بن اسماعیل بخاری (۱۴۰۷)، صحیح، ج ۲، بیروت: دارالقلم، ص ۲۱۱.

۲ برخی مانند ونسینک معتقدند، که نحوه اجرای آیین‌ها و مناسک اسلامی علی‌رغم متمایز ساختن آن‌ها از نحوه اجرای این مناسک در ادیان دیگر، این امر هم‌چنان بیان‌گر تأثیرپذیری مسلمانان از این ادیان است. برای مثال، بعد از هجرت پیامبر^(ص) به مدینه و مشاهده روزه دهم ماه تشری توسط یهود، دستور روزه گرفتن به مسلمانان دادند. هم‌چنین به تقلید از یهودیان روزه‌های روزهای دوشنبه و پنجشنبه را مقرر کردند و بعد پیامبر^(ص) روزه ماه رمضان را مقرر کرد. نیز برای اطلاع از همانندی اولیه اجرای برخی مناسک اسلامی و در ادامه متمایز شدن آن‌ها؛ نک: Wensinck, Ibid, pp.72-103.

یهودیان این منطقه با یهودیان بابل و فلسطین و نیز عدم تقید شدید یهودیان این مناطق در اجرای شعائر دینی علت این جدایی بود. به همین دلیل نقش چندانی در حیات علمی یهود و از جمله در پیدایش و تدوین مجموعه‌های میثنا و گمار (تلمود) نداشتند. وجود دو مجموعه تلمود بابلی و تلمود فلسطینی، نشان‌گر فعالیت علمی گسترده علمای یهودی در مدارس این دو منطقه می‌باشد. علمای این مناطق در حفظ هویت دینی یهود و پویایی آن نقش به‌سزایی داشتند. تفاوت سطح دانش یهودیان دو منطقه و فقدان مدارس علمی در بین یهودیان جزیره العرب، دو تأثیر متفاوت در فرهنگ اسلامی به دنبال داشت.

در حالت نخست: یهودیان جزیره العرب علی‌رغم ادعای برتری خود نسبت به ساکنان عرب منطقه، بهره چندانی از تمدن نداشتند و حتی زعمای دینی آنان کم‌تر قادر به خواندن و نوشتن بودند. از مجموع اقدامات یهودیان در زمان پیامبر^(ص) که عمدتاً به لجاجت و عناد در برابر اسلام محدود می‌شود، می‌توان دریافت که علمای یهود به دلیل عدم برخورداری از دانش و با توجه به این‌که عمده آگاهی آنان از تورات و دینشان آمیخته با خرافات و انحرافات بود، نتوانستند تعامل سازنده‌ای با پیامبر^(ص) و مسلمانان داشته باشند. با رحلت پیامبر^(ص) مسلمانان در تعامل با یهودیان به ویژه احبار نو مسلمان، تحت تأثیر عناصری از فرهنگ یهود قرار گرفتند. این دسته از باورهای یهود که در اصطلاح اسرائیلیات نامیده می‌شود، عمدتاً بار ارزشی منفی دارند.^۱ این عناصر در زمینه‌های مختلف به عنوان سنت‌های اسلامی وارد مجموعه‌های حدیث، تفسیر و تاریخ شدند و به نسل‌های بعد انتقال یافتند و با توجه به درون مایه‌های منفی این عناصر، سبب واژگونه شدن بخشی از مفاهیم و آموزه‌های اسلامی شدند. اسرائیلیات عمدتاً در سده‌های نخست هجری توسط احبار نو مسلمان وارد فرهنگ اسلامی شد.^۲ در واقع اسرائیلیات آن دسته از روایت‌هایی است که نه در قرآن و احادیث نبوی بلکه در تعالیم اهل کتاب به ویژه بنی اسرائیل ریشه دارد.^۳ با توجه به

1 Lewis, Ibid, p.70 .

۲ محمد حسین ذهبی (۱۴۰۵)، *الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث*، دمشق: دارالایمان، صص ۱۹-۲۱.
* علمای مسلمان، گاه اصطلاح اسرائیلیات را به «نصرانیات» و نیز گاهی در مفهومی گسترده‌تر، به هر نوع روایت و حکایتی که از منابع غیر اسلامی وارد قلمرو فرهنگ اسلامی گردیده است، تعمیم می‌دهند. نک: فان فلوتن (۱۹۶۵)، *السیادة العربیة و الشیعة و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیة*، ترجمه و تعلیق حسن ابراهیم و محمد زکی ابراهیم، قاهره: النهضة المصریة، ص ۱۰۹.

۳ ابی الفداء اسماعیل بن کثیر (۱۴۱۳)، *البدایة و النهایة*، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، صص ۶-۷؛ روایت‌های منقول از منابع یهودی بر سه دسته است: دسته نخست، آن بخش از روایت‌های منقول از منابع یهود است که صحت آن به وسیله

نهی آشکار پیامبر^(ص) از مراجعه به اهل کتاب و عنایت صحابه به سخن ایشان، آغاز ورود اسرائیلیات به فرهنگ اسلامی را باید بعد از رحلت پیامبر^(ص) دانست.^۱

به نظر می‌رسد، در ابتدا صحابه برای آگاهی بیشتر از جزئیات داستان‌های قرآن به کتب پیشین مراجعه کردند و این امر در ادامه به سایر زمینه‌ها نیز تسری یافت.^۲ به زعم این دسته از مسلمانان، تنها مرجع عرب‌ها برای شناخت سرگذشت امم سالفه و پیامبران الهی، تورات و اهل کتاب بوده‌اند. اینان عمدتاً از نظر علمی دارای بضاعت اندکی بودند و از این رو فریفته سخنان آنان می‌شدند.^۳ با توجه به سابقه ذهنی و آشنایی تفصیلی یهودیان با بسیاری از قصص قرآن کریم و نیز ارتباط نزدیک یهودیان ساکن در جزیره العرب با عرب‌های مسلمان شده، تأثیر پذیری از یهود در مقایسه با سایر اهل کتاب بیشتر بوده است. ضمن آن‌که با مهاجرت مسلمانان به مدینه، ارتباط مسلمانان با یهودیان اسلام آورده و نیاورده افزون‌تر گشت.^۴ بدین ترتیب عوامل متعدد در پیدایش و گسترش اسرائیلیات نقش دارند؛ اما ممنوعیت نقل و نگارش حدیث و میدان دادن خلفا به ویژه خلیفه دوم و معاویه به نو مسلمانان یهودی از عوامل مهم رواج اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی است. از مهم‌ترین علمای یهودی نو مسلمان می‌توان به کعب الاحبار،^۵ وهب بن منبه^۶

→ منابع اسلامی مانند کتاب و سنت‌های نبوی تأیید می‌گردد. دسته دیگر، آن‌هایی است که اساساً با منابع اسلامی مغایرت دارد و دسته آخر، یعنی آن‌چه که در منابع اصیل اسلامی از آن سخنی نیامده است؛ نه می‌توان به درستی و نه به نادرستی آن حکم کرد.

۱ برای نمونه نک: بخاری، همان، ج ۹، ص ۷۷۳؛ ابن کثیر (۱۴۱۳)، همان، ج ۲، ص ۳۳؛ در باب بر حذر داشتن پیامبر^(ص)، عمر را از قرأت و مراجعه به تورات؛ نک: یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (۱۴۱۲)، الاستیعاب فی معرفة الصحابة، ج ۱، بیروت: دارالجبیل، ص ۴۲.

۲ محمد حسین ذهبی (۱۳۸۱ق)، التفسیر و المفسرون، ج ۱، قاهره: دارالکتب الحدیثه، ص ۱۶۹.

۳ برای اطلاع بیشتر نک: مرتضی عسکری (۱۳۵۷)، نقش ائمه در احیای دین، ج ۶، تهران: نشر مجمع علمی اسلامی، ص ۹۸؛ نک: ابوهیره، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو بن عاص.

۴ مناع قطاع (۱۴۰۳)، مباحث فی علوم القرآن، بیروت: ابي نا، صص ۳۵۴-۳۵۵؛ علاوه بر موارد ذکر شده، از عوامل دیگر در این زمینه می‌توان به این موارد اشاره کرد: بی‌سوادی و ناآگاهی جامعه عرب و خود باختگی عرب‌ها در برابر دانش یهود؛ گرایش عوام به امور شگفتانگیز و حیرت‌آور و کنج‌کاوای آنان در یافتن جزئیات داستان‌ها؛ حذف اسناد روایت‌ها و خوش‌بینی به علمای نو آیین اهل کتاب، تظاهر به اسلام برخی از راویان و مقاصد شیطنت‌آمیز آن‌ها؛ انحراف اذهان جامعه با داستان‌های اسرائیلی برای دور ماندن از مسائل مهم سیاسی-اجتماعی به ویژه در عصر بنی‌امیه؛ ذهبی (۱۴۰۵)، همان، ص ۲۴؛ ابن کثیر (۱۴۰۷)، همان، ج ۱۴، ص ۱۸، ج ۴، ص ۲۳۱؛ نیز نک: سید محمد رضا حسین جلالی (۱۳۷۱)، تدوین السنّة الشریفه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۴۸۸.

۵ برای شرح حال نک: احمد بن علی بن حجر عسقلانی (۱۴۰۴)، تهذیب التهذیب، ج ۸، دمشق: دارالفکر، ص ۲۹۳؛ شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی [ابی‌نا]، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، بیروت: مؤسسة الرسالة، ص ۴۸۹.

۶ برای نمونه نک: ذهبی [ابی‌نا]، همان، ج ۴، ص ۵۴۵.

عبدالله بن سلام^۱ اشاره کرد. هم‌چنین برخی از شاگردان^۲ آنان از میان صحابه و تابعین و نیز سایر شخصیت‌های مسلمان در رواج اسرائیلیات نقش داشتند. گفته‌های نو مسلمانان یهودی، از طریق شاگردان آنان از صحابه و تابعین به تدریج در میان مردم شایع گردید و بعداً به دست افراد بی‌احتیاط در کتاب‌های حدیثی و تفسیری وارد شد.^۳ با گذشت زمان، کار تشخیص و جداسازی احادیث صحیح از سقیم مشکل‌تر شد.^۴ در دوره خلفای اموی به ویژه معاویه، روایان اسرائیلیات ارتباط بسیار نزدیکی با حکومت شام داشتند. از یک سو، حکومت شام آن‌ها را در افکار عمومی بزرگ می‌کرد و روایت‌های آنان را رواج می‌داد و از سوی دیگر روایان اسرائیلیات با جعل احادیث و روایت‌ها به حکومت آن‌ها مشروعیت می‌بخشیدند.^۵ در نیمه دوم سده سوم و اوایل سده چهارم، جوامع حدیثی اهل سنت شکل گرفت. هم‌زمان با روی آوردن علمای مسلمان به تدوین نخستین آثار مدوّن در حدیث، تفسیر و سایر زمینه‌ها، به طور طبیعی، برخی از روایت‌های جعلی و متأثر از اسرائیلیات در زمینه‌های مختلف به این آثار راه یافتند.^۶

حالت دوم: با فتح سرزمین‌های یهودی‌نشین تحت نفوذ امپراطوری ایران و روم ساکنان یهودی این مناطق و از جمله بابل، فلسطین و مصر تحت سلطه اسلام درآمدند. تلمود به عنوان مجموعه‌ای عظیم از مطالب گوناگون محصول فعالیت‌های علمی علمای یهودی بابل و فلسطین در طی چندین سده می‌باشد.

- ۱ برای نمونه نک: ذهبی [بی‌تا]، همان، ج ۲، ص ۴۱۶؛ ابوالقاسم‌علی بن حسن بن عساکر (۱۹۸۲)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق سکینه شهابی، ج ۱۲، دمشق: [بی‌تا]، ص ۲۵۰.
- ۲ برخی از آنان عبارت‌اند از: عبدالله بن عمر بن خطاب؛ عبدالله بن عمرو بن عاص؛ ابوهریره؛ مجاهد بن جبرمکی؛ محمد بن کعب قرظی؛ مقاتل بن سلیمان؛ عبدالله بن زبیر و معاویه؛ شاگردان کعب الاحبار از میان صحابه بودند.
- ۳ محمود ابوریّه [بی‌تا]، *أضواء علی السنه المحمديه*، بیروت: مؤسسه منشورات الاعلمی، صص ۴۳، ۱۵۰؛ ابن کثیر (۱۴۱۳)، همان، ج ۲، ص ۱۳۴؛ جلالی، همان، ص ۴۳۷؛ شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (۱۴۱۹)، *تذکره الحفاظ*، ج ۱ و ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، صص ۷۰۳، ۴۲.
- ۴ محمد تقی دیاری (۱۳۷۹)، پژوهشی در باب اسرائیلیات، تهران: دفتر پژوهش و نشر سپهرودی، ص ۱۲۹.
- ۵ ابن حجر [بی‌تا]، همان، ج ۳، ص ۳۱۶؛ نک: مهدی پیشوایی (۱۳۶۷)، «راه‌های نفوذ اسرائیلیات در تاریخ اسلام»، پیام حوزه، ش ۱۳، ص ۳۶؛ نیز نک: مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (۱۹۷۲)، صحیح، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۷۱۸؛ ذهبی (۱۴۱۹)، همان، ج ۱، ص ۷۰؛ صبحی صالح (۱۳۶۳)، *علوم الحدیث و مصطلحه*، قم: منشورات رضی، ص ۲۸۶.
- ۶ شاهد این مطلب، تلاش پدیدآورندگان مجموعه‌های حدیثی اهل سنت (صحاح سته) برای پالایش روایت‌های منتخب آثار خود از میان انبوه عظیمی از احادیث بود. بخاری در تألیف صحیح خود از میان ششصد هزار حدیث که در اختیار داشت، تنها دو هزار و ششصد روایت را انتخاب کرد. مسلم در کتاب خود صحیح از میان سیصد هزار حدیث، نهایتاً چهار هزار و پانصد روایت، ابوداود، در کتاب خود سنن از میان پانصد هزار حدیث، چهار هزار و هشتصد روایت، نسایی و ترمذی از میان انبوهی از روایت‌ها به ترتیب شش هزار و پنج هزار حدیث را انتخاب کردند.

خلافت عباسیان آغاز نهضت علمی مسلمانان را به دنبال داشت. سیاست خلفای عباسی در حمایت از علما و دانشمندان و سرلوحه قرار دادن تسامح و تساهل دینی، تکاپوی عظیمی را در جامعه اسلامی برای گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی به وجود آورد. روحیه تسامح و تساهل، تبادل فرهنگی و علمی مسلمانان با غیر مسلمانان و اقوام و ملل مختلف را به همراه داشت. در این میان یهودیان نیز به طرق مختلف با مسلمانان تعامل داشتند.^۱ در این دوره در جریان تعامل مسلمانان با یهودیان، حضور علما و اندیشمندان مسلمان مناطق مختلف، یک تعامل علمی دو سویه را به وجود آورد. این تعامل پیامد مثبت و سازنده برای هر دو طرف به همراه داشت. سازگاری یهود با فرهنگ اسلامی از این مسئله استنباط می‌شود که اینان خواه در گفت‌وگوی روزانه و خواه در ادبیات دینی از زبان عربی استفاده می‌کردند. ادبیات عبری در بخش شعر از زبان عربی متأثر شد و وزن و قافیه را از شعر عربی اقتباس کرد.^۲ تأثیر میراث دینی اسلامی بر میراث دینی یهودی بیش‌تر و ژرف‌تر از هلنیسم بر آن بود. در این دوره درک میراث دینی یهود بدون مراجعه به میراث فلسفی و دینی اسلامی ممکن نیست.^۳ یهودیان و مسلمانان در زمینه‌های الاهیات، تفسیر، فلسفه، فقه و تصوف با یکدیگر تبادل علمی عمیقی داشتند.^۴ فلسفه اسلامی به یهودیان برای تأسیس مکتب فلسفی خود کمک کرد. برای نمونه فیلسوف بزرگ یهودی، ابن‌میمون، در این زمینه بسیار وامدار و مدیون فلاسفه و الاهیون مسلمان است. در زمینه ادبیات و هنر، تأثیر مسلمانان بر یهودیت چشم‌گیر است و تقریباً یک سویه می‌باشد. در زمینه فقه با توجه به پیشینه یهود، فقه اسلامی وامدار سابقه خاخامی است؛ اما در این زمینه تأثیرات متقابل وجود دارد؛ زیرا که توسعه متعاقب و بحث قانون خاخامی نیز بسیار به طبقه‌بندی‌ها، تنظیمات و حتی اصطلاحات فقهای مسلمان مدیون است.^۵

در سده پنجم هجری قمری، قاضی ساعد اندلسی در کتاب خود در باب طبقه بندی ملت‌ها، در میان ملت‌هایی که در رشد علم و دانش بشری سهیم بوده‌اند، یهودیان را نیز جزو ملت‌هایی می‌داند

۱ نک: نترلر، همان، ج ۱، ص ۴۳۷.

۲ Lewis, Ibid, p.91؛ نیز نک: 303, "Encyclopedia of Islam", G. Vajda, "Judaean-Arabic Literature"; رواج زبان

عربی در بین یهودیان به خصوص از سده چهارم هجری به بعد اهمیت یافت.

۳ المسیری، همان، ص ۴۳۶.

۴ نترلر، همان، ص ۴۳۷.

که در گسترش دانش نقش دارند و آنان را از منابع دانش مسلمانان معرفی می‌کند.^۱ در اندلس نیز یهودیان نقش علمی و فرهنگی برجسته‌ای داشتند. مجموعه آثاری که با عنوان یهودی-عربی شناخته می‌شود، حکایت از این فعالیت علمی دارد.^۲ در چنین شرایطی، مدارس علمی یهود نیز فعال بودند. رؤسای خاخامی مدارس عالی یهود در بابل معروف به گائون (Gaon) از نفوذ و اعتبار و اهمیتی همسان با رأس‌الجالوت برخوردار بودند. در طول سده چهارم هجری قمری مدارس عالی یهود به بغداد انتقال یافت. در طول سده بعد و به تدریج، مدارس عالی بغداد اهمیت بیش‌تری نسبت به مدارس بابل یافت.^۳ آکادمی‌های بابل به قدری رونق یافته بود که بسیاری از دانش‌آموختگان از آکادمی‌های اسپانیا، ایتالیا، شمال آفریقا و امپراطوری روم شرقی به آن‌جا مهاجرت کردند.^۴

حضور علمی و فرهنگی یهودیان در سرزمین‌های اسلامی و حسن تعامل آن‌ها با دانشمندان مسلمان، به این امر انجامید که متون مقدس خود را به عربی ترجمه کنند. هر چند برخی از علمای مسلمان با تسلط بر زبان عبری از تورات عبری استفاده می‌کردند.^۵ از ترجمه‌های مهم، ترجمه بخش‌هایی از تلمود به عربی است که «نسیم بن یعقوب قیروانی» در اواسط سده پنجم به انجام رسانده است.^۶ ترجمه متون مقدس یهودی دسترسی کثیری از علمای مسلمان به این منابع و استفاده آنان را امکان‌پذیر ساخت.^۷

نتیجه‌گیری

یهودیان که در ادوار مختلف پیش از اسلام به جزیره‌العرب مهاجرت کرده و در نقاط مختلف آن ساکن شده بودند، بر محیط و زندگی عرب تأثیرگذار بودند. علی‌رغم پایین بودن سطح دانش یهودیان جزیره‌العرب در مقایسه با یهودیان سایر مناطق، اینان نسبت به همسایگان عرب خود

۱ قاضی ساعد اندلسی (۱۲۷۶)، *التعريف بطبقات الامم*، تهران: مؤسسه انتشارات هجرت، صص ۲۷۴-۲۸۰؛ نیز نک: Lewis, Ibid, p.96.

2 G. Vajda, Ibid, V.4, pp.299-307 .

3 Dancohn – Sherbok, Ibid, p.136 .

4 Albert Hourani(2002), *Ahistory of the Arab Peoples*, London: p.186.

۵ برای نمونه نک: آشنایی مقدسی با زبان عبری: مقدسی، همان، ج ۵، صص ۳۰-۳۲؛ محمدبن‌احمد ابوریحان بیرونی (۱۳۷۷)، *آثارالباقیه*، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۵. سابقه ترجمه کتاب مقدس به دوره پیش از اسلام می‌رسد، از جمله این مترجمان، سعدی بن یوسف (۸۹۲-۹۴۲م) معروف به سعدیا گائون، رهبر یهودیان بابل بود که عهد عتیق را به عربی ترجمه کرد. ترجمه وی کلاسیک و تأثیرگذار بوده است. ایستاین، همان، صص ۱۹۰-۱۹۱.

6 G. Vajda, Ibid, V.4 , p.306.

۷ برای نمونه نک: یعقوبی، همان، ج ۱، ص ۶۷؛ مقدسی، همان، ج ۴، صص ۳۴-۴۱.

برتری خاصی برای خود قائل بودند. با ظهور اسلام و به دلیل کثرت یادکرد قرآن از این قوم، مسلمانان به شناخت بیشتری از این قوم دست یافتند. البته پایین بودن سطح دانش یهودیان و آمیخته بودن دین آن‌ها به خرافات، باعث شد تا آنان نتوانند تعامل سازنده‌ای با پیامبر (ص) داشته باشند. پایین بودن سطح دانش آنان دو گونه تأثیر بر فرهنگ اسلامی به دنبال داشت. با رحلت پیامبر و علی‌رغم نهی آشکار پیامبر از مراجعه مسلمانان به اهل کتاب، می‌توان گفت که: عرب‌های مسلمان منطقه در سده‌های نخستین تحت تأثیر یهودیان به ویژه احبار نو مسلمان، عناصری از فرهنگ یهود را وارد فرهنگ اسلامی کردند که دارای بار ارزشی منفی و در تعارض با سنت‌های اسلامی بود، لذا واژگونه شدن بخشی از آموزه‌های اسلامی را به دنبال داشت. اما با استقرار خلافت عباسی و آغاز روند شکل‌گیری تمدن اسلامی و با توجه به تسامح و تساهل مسلمانان در اخذ عناصر فرهنگی اقوام و ملل مختلف؛ این بار مسلمانان توانستند در تعامل فرهنگی دو سویه با یهودیان مناطق بابل، فلسطین و مصر، عناصر سازنده و مثبت فرهنگ یهود را در زمینه‌های مختلف وارد فرهنگ اسلامی کنند.

منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین ابی‌الحسن علی (۱۹۹۴)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق مکتب التراث، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی [بی‌تا]، *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، بیروت: دار المعرفه.
- [بی‌تا]، *الإصابة فی تمییز الصحابة*، بیروت: دار الفکر.
- [۱۴۰۴]، *تهذیب التهذیب*، دمشق: دار الفکر.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۶۳)، *العبر (تاریخ ابن خلدون)*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵)، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قرچانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، بیروت: دار الجبل.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن (۱۹۸۲)، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق سکینه شهابی، دمشق: [بی‌نا].
- ابن کثیر، ابی‌الفداء اسماعیل (۱۴۱۳)، *البدایة و النهایة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۱۴۰۷]، *تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)*، بیروت: دار المعرفه.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۵)، *المعارف*، قم: منشورات شریف رضی.
- ابن هشام (۱۳۶۲)، *سیرت رسول الله*، ترجمه رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، تصحیح دکتر اصغر

- مهدوی، تهران: انتشارات خوارزمی .
- ابن مسکویه (۱۳۶۹)، تجارب الامم، ترجمة ابوالقاسم امامی و علینقی منزوی، تهران: سروش.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۷۷)، آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ترجمة اکبر دانا سرشت، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ابوریثه، محمود [بی تا]، اضواء علی السنة المحمدیه، بیروت: مؤسسه منشورات الاعلمی .
- ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین [بی تا]، الاغانی، به کوشش عبدالکریم ابراهیم العرباوی، بیروت: مؤسسه جمّال للطباعة و النشر.
- اپستاین، ایزیدور (۱۳۸۵)، یهودیت، ترجمة بهزاد سالکی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷)، صحیح، بیروت: دارالقلم.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۲۰)، فتوح البلدان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بوکای، عهدین [بی تا]، قرآن و علم، ترجمة حسن حبیبی، تهران: انتشارات سلمان.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۶۷)، «راههای نفوذ اسرائیلیات در تاریخ اسلام»، قم: پیام حوزه، ش ۱۳.
- جواد علی (۱۴۱۳)، المفضل فی التاريخ العرب قبل الاسلام، بغداد: [بی تا].
- جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس (۱۴۰۸)، الوزراء و الکتاب، بیروت: دارالفکر.
- حسین، طه، [بی تا]، آئینه اسلام، ترجمة محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشار.
- حسینی جلالی، سید محمدرضا (۱۳۷۱)، تدوین السنّة الشریفه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حموی، شهاب الدین ابی عبدالله یاقوت (۱۴۰۸)، معجم البلدان، بیروت: دار بیروت .
- دیاری، محمد تقی (۱۳۷۹)، پژوهشی در باب اسرائیلیات، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان [بی تا]، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ----- (۱۴۱۹)، تذکرة الحفاظ، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذهبی، سید محمد حسین (۱۴۰۵)، الاسرائیلیات فی کتب التفسیر و الحدیث، دمشق: دار الایمان .
- ----- (۱۳۸۱)، التفسیر و المفسرون، قاهره: دارالکتب الحدیثه.
- الزبیدی [بی تا]، تاج العروس، تحقیق محمود محمد طماچی، مطبعة حکومت الکویت.
- رامیار، محمود (۱۳۶۲)، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- صبحی صالح (۱۳۶۳)، علوم الحدیث و مصطلحه، قم: منشورات رضی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷)، تاریخ الرّسل و الملوک، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- عسکری، سید مرتضی (۱۳۵۷)، نقش ائمه در احیاء دین، تهران: نشر مجمع علمی اسلامی .
- فلوتن، فان (۱۹۶۵)، السیادة العربیة و الشیعة و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیه، با ترجمه و تعلیق دکتر حسن ابراهیم و محمد زکی ابراهیم، القاهره: النهضة المصریة.
- قاضی ساعداندلسی (۱۳۷۶)، التعریف بطبقات الامم، تهران: مؤسسه انتشارات هجرت.
- قطاع، مناع (۱۴۰۳)، مباحث فی علوم القرآن، بیروت: [بی تا].
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۹۷۲)، صحیح، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- کتاب مقدس (کتاب عهد عتیق و عهد جدید) (۱۰۹۴م)، ترجمه از عبرانی و کلدانی و یونانی، به همت انجمن پخش کتب مقدسه.
 - مجیرالدین حنبلی (۱۳۶۸)، *الانس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل*، قم: منشورات رضی.
 - المسیری، عبدالوهاب محمد (۱۳۸۳)، «جهان اسلام از زمان گسترش اسلام تا هنگام سقوط بغداد به دست مغول»، *دایرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم*، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، تهران: کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضة فلسطین.
 - مقدسی، مطهرین طاهر (۱۳۷۴)، *آفرینش و تاریخ*، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
 - نلر، رونالد (۱۳۸۸)، «اسلام و یهودیت»، *دایرةالمعارف جهان نوین اسلام*، ترجمه حسن طارمی و دیگران، تهران: نشر کتاب مرجع.
 - و نثر.ج. فیشر (۲۰۰۵)، *یهود فی الحیاة الاقتصادية و السیاسية للدول الاسلامیة*، دمشق: التلوین للطباعة و النشر و التوزیع.
 - ولفسون، اسرائیل (۱۹۳۷)، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر اسلام*، مصر: مطبعة الاعتماد.
 - یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱)، *تاریخ الیعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
-
- Adang , Camilla(1996), *Muslim Writers on Judaism and the Hebrew Bible: from Ibn Rabban to Ibn Hazm* , Leiden .
 - Dan-Cohn Sherbo(2003), *Judaism (History , Belief and Practice)*, London.
 - G.Vajda(2002),” Judaeo-Arabic “ III : “Judaeo-Arabic literature”, *Encyclopedia of Islam*
 - Hourani, Albert A history of the Arab Peoples, London.
 - Lewis , Bernard(1984), *The Jews of Islam*, Princeton.
 - Torrey, Charles cutler (1967), *The Jewish foundation of Islam* , Newyork.
 - Wensinck, Arnet jan(1982), *Muhammad and the Jews of Medina*, tr. and ed . Wolfgang H.Behn, 2nd ed. Berlin .
 - *Talmud*,(English).

